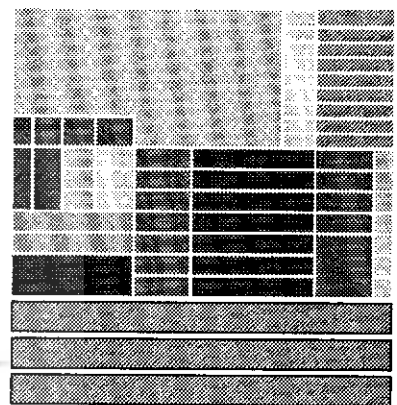
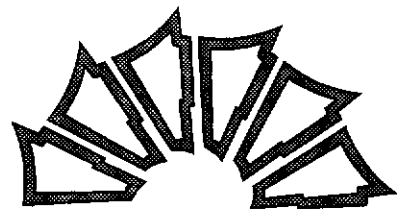


مقالات اقتصادی



اقتصادی

صنعت و مالیات . حدود مسئولیت متصدی حمل در قانون حاکم بر قرارداد حمل دریایی کالادر بارنامه ایرانی . عضویت ایران در گات ، بخش اول - تحولات کلی - قسمت سوم . گات ، نتایج حاصله از مذاکرات دورارگوئه و آثار آن . امروز هزینه کنید ، فردا صرفه جویی ، رونق بازار خودرو در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس . ببریلفاست . سقوط انحصارگرها . بیداری غولهای خوابیده . مناطق اقتصادی نوپای آسیا و حاشیه اقیانوس آرام . زندگی و مرگ در سرزمین بایر ، تجارت آزاد و آزادی مطبوعات در مکزیک . واقع بینی . نقش آموزش و پرورش در شکوفایی اقتصاد . ژاپنی ها ، گسترش فعالیت ژاپنی ها در آسیا . افزایش سریع صادرات کالاهای صنعتی چین به ژاپن ، خارجی ها در ژاپن ، رهنمودهایی برای آنان که قصد سفر به این سرزمین را دارند .

قطار ، هواپیما و خودرو . بادکنک هوشمند . شیطان های کوچولو .

اخباری

در چهار ماهه نخست سال جاری ، صادرات کشور از نظر وزن ۲ درصد و از لحاظ ارزش ۱۳ درصد افزایش یافت . در سال ۷۱ نسبت به سال ۷۰ ، هزینه خانوارهای شهری و روستایی ۲۴/۱ درصد و ۱۹/۶ درصد افزایش یافت . در مردادماه سال ۱۳۷۳ ، ۲۶۱ هزار هکتار زمین زیرکشت دانه های روغنی قرار گرفت . گزارش وضعیت عمومی پنبه کشور در تیرماه سال ۱۳۷۳ . براساس نتایج سرشماری سال ۷۱ کشور ، تهران بزرگترین مرکز جوجه کشی اعلام شد .

گزارشی

صنعت و مالیات

بررسی کارشناسی

گزارش کارشناسی - وارده

در چهار ماهه اول هر سال کلیه متوجمان شاخص حقوقی (شرکتها) به سوی آماد سازی و تنظیم بیلان عملکرد سال قبل، تشکیل مجامع عمومی، تصویب ترازنامه و بالاخره تهیه اظهارنامه مالیاتی معطوف میشود تا بموقع خود اسناد و مدارک مربوط به اظهارنامه آماده تسلیم به حوزه های مالیاتی گردد و جرایمی که در قانون معین شده به آن تعلق نگیرد، البته بعضی هم با کوشش بیشتر سعی میکنند که زود تر از موعد مقرر به تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات درآمدها برای اقدام کنند و از تخفیفهای آن بهره مند شوند.

طبعاً در این مدت مسئله مالیات، چگونگی تهیه اظهارنامه، نحوه اقناع و رضایت ممیز مالیات تسی، پرداخت مالیات درآمدها برای و یا قسط بندی آن - در کارخان و توجه و مباحث مدیران شرکتها قرار میگیرد و آنان سعی میکنند که کلیه اطلاعات خود را با هم مبادله کنند تا بمبهرترین وجه این وظیفه را سامان بخشند.

یکی از نکاتی که گام موبیگه از سوی برخی افراد عنوان میشود و از اواخر سال ۱۳۷۲ و در ماههای نخستین سال ۱۳۷۳، با افزایش تعهد وزارت امور اقتصادی و دارائی مبنی بر افزایش قابل توجه سهم منابع مالیاتی در بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور شکل گرفت درباره یک سلسله اقداماتی است که در جهت مالیات بیشتر از مودیان آغاز شده است این اقدامات گرچه از جهت اعمال سیاستهای برنامه های توسعه از نظر کاهش اتکال بودجه درآمدهای نفتی در راستای یکی از هدفهای کشور است ولی از جهت دیگر با بررسی تبعات و آثاری که بر صنعت کشور می گذارد دنیا ز منند بررسی و بحث بیشتری است که ذیلاً "بمورد آن ها اشاره می گردد.

۱- معافیت های مالیاتی

سرمایه گذاری در صنعت

بررسیهای ارقام و اعداد اقتصاد کلان کشور در زمینه سرمایه گذاری، نشان میدهد که میزان سرمایه گذاری در کشور و سهم آن نسبت به تولید ناخالصی



مقاله زیر را یک گروه کارشناسی وابسته به یکی از سازمانهای خصوصی تهیه کرده اند که بعنوان مقاله وارده و "بررسی کارشناسی" عیناً چاپ میشود. از کارشناسان و سازمانهای کارشناسی که علاقمند به بحث درباره مساله مهم رابطه توسعه صنایع کشور و سیاستهای مالیاتی میباشند برای شرکت در این موضوع مهم دعوت میشود مقالات و نظرات خود را در این زمینه به روابط عمومی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ارسال دارند. پیشاپیش از همکاری صاحب نظران سپاسگزاری میکند.

داخلی از سطح نازل بر خوردار است و به قیمت ثابت دارای رشد مثبتی در سالهای گذشته نیست. این واقعیت در واقع میتواند هشدار برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور تلقی شود و آنان را به اتخاذ استراتژی‌های مساعدی در زمینه جلب سرمایه‌گذاری بویژه سرمایه‌گذاران داخلی - وادار سازد.

بطور قطع اگر دلایلی را که مانع از بودن سطح سرمایه‌گذاری را موجب شده است مورد بررسی قرار دهیم، به عوامل مختلفی خواهیم رسید که بحث درباره آنها از حوصله این مقال خارج است ولی بدون شک یکی از عوامل کمبود انگیزه‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری و تشویق به ایجاد و توسعه در اشخاص حقوقی است.

بی‌گمان با توجه مابین فرایند بوداست کد ر قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب سال ۱۳۶۶) و سپس در اصلاحیه آن (مصوب سال ۱۳۷۱) سالهای معافیت مالیاتی سرمایه‌گذاری از پنج سال در قانون سال ۱۳۴۵ به حداکثر ۱۴ سال در قانون سال ۱۳۶۶ و سپس به ۲ سال در اصلاحیه رسید و در حرکت سرمایه‌گذاری صنعتی در سالهای اول برنامه توسعه (۷۲-۱۳۶۸) اثر نسبتاً مثبتی به جا گذاشت.

بموجب ماده ۱۳۲ (اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم)، واحدهای تولیدی و معدنی از نظر برخورداری از معافیت در سال ولویت ۲ و ۳ قرار می‌گیرند که طبق تبصره یک ذیل آن می‌بایستی فهرست این ولویت‌ها پس از یک ماه از تاریخ تصویب قانون (اردیبهشت سال ۷۱) تنظیم و بتصویب هیات وزیران میرسد، اما آنچه که عملاً "اتفاق افتاد اینست که:

اولاً - این فهرست پس از چند بار تهیه و بررسی در سطوح مختلف تصمیم‌گیری (وزارتخانه‌های صنایع، سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارائی و بالاخره در هیات وزیران)، با تاخیری بیش از دو سال اخیراً تصویب و منتشر شده است. این تاخیر موجب گردید که تعدادی از واحدهای صنعتی کد در طول این مدت به بهره‌برداری رسیده بودند از معافیت مالیاتی محروم گردند و بلااقل مبالغی بیش از استحقاق پرداخت کنند که باید وزارت امور اقتصادی و دارائی بجای استرداد

اضافه دریافتی‌ها، آنرا به حساب مالیات‌های سال بعد محسوب خواهد کرد چرا که در متن مصوبه اشاره‌ای به استرداد این اضافه‌سهم دریافتی‌ها نشده است.

دو دیگر اینکه علیرغم صراحت قانون مالیات‌های مستقیم که کلیه صنایع و واحدهای تولیدی باید در یکی از سه ولویت مذکور طبقه‌بندی شوند متأسفانه فهرست تصویب فاقد ولویت ۳ است و فقط ۹ رشته صنعتی و معدنی در ولویت یک و ۲ قرار گرفته و بقیه صنایع از معافیت مالیاتی مستثنی شده‌اند در حالی که: ۱- تعداد رشته‌های صنعتی (زیرمجموعه ۸ رشته اصلی) خیلی بیش از چند برابر ۹ رشته صنعت منتخب در ولویت‌ها است که میتوان گفت اکثر "از معافیت مستثنی‌گشته‌اند. تنها صنایع زیرمجموعه صنایع سنگین از ۹ رشته صنعتی متجاوز است.

۲- قانون مالیات‌های مستقیم هم‌صنایع را مشمول معافیت دانسته و اگر قرار بوده است که تعدادی از آنها مشمول معافیت خارج شوند صراحتاً در قانون به آنها اشاره نمی‌کرده است که اینک در قانون مصوب سال ۱۳۶۶، ۵۳ صنعت بطور کلی و با ذکر نام از معافیت مذکور برخوردار نبوده‌اند.

۳- نکته اساسی دیگر - که باید از هر جهت مورد توجه قرار گیرد، آثار و تبعیضات سرمایه‌گذاری صنعتی از جهت ایجاد اشتغال، ایجاد ارزش افزوده، افزایش سطح تولید، ارتقاء سطح درآمد‌های جامعه و همچنین افزایش امکانات صادرات صنعتی میباشد. بعبارت دیگر صنایع بعنوان محور رشد و توسعه باید بنحوی در سیاست‌های ملی منظور شوند که هموار می‌انجام سرمایه‌گذاری و ایجاد واحدها و نهادهای جدید صنعتی روندی رو به پیش داشته باشند تا محرک دیگری فعالیتهای اقتصادی شوند.

علاوه بر آن توجه به فزاینده مالیاتی کشور است که در اثر ایجاد واحدهای صنعتی جدید، وهم‌آنگاه با آن افزایش می‌یابد و فرصتها و امکانات وسیعتری را از نظر مالیات

گیری یا دریافت مالیات بوجود می‌آورد. ۴- اعطای معافیت‌های مالیاتی به سرمایه‌گذاران، جدی‌د صنعتی نه تنها از نظر جلب سرمایه‌های داخلی به تولید موثر است بلکه مشوق جلب سرمایه‌های خارجی نیز - که دولت اخیراً "در کانسون بحث‌های خود قرار داده خواهد بود چرا که طبق روش‌های معمول در کشورها، هر نوع معافیتی که به اتباع داخلی هر کشوری برای سرمایه‌گذاری تعلق گیرد، سرمایه‌های خارجی نیز از آن منتفع می‌گردند.

۵- نکته اساسی دیگر نقش صنعت و تولید در کاهش تورم است که از جهت سیاست‌های اجتماعی دولت دارای اهمیت خاصی است. گرایش سرمایه‌ها به فعالیت‌های غیرمولد، جزا اینکه موجب تشدید تورم و کاهش تواناییهای جامعه گردد اثر دیگری در بر ندارد.

۶- آنچه که در این فهرست ناگفته مانده است ضوابط تعیین این ولویت‌هاست چرا که روشن نیست چرا بعضی از صنایع در ولویت یک و بعضی در ولویت دو قرار گرفته‌اند آیا ضابطه‌هایی مانند میزان اشتغال، میزان سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده، مزیت نسبی، نوع تولید (کالاها یا سرمایه‌های واسطه‌ای و مصرفی) در انتخاب آنها یکبار گرفته شده است یا خیر، و اگر پاسخ مثبت است چگونه؟

بنابراین تعیین و اعلام بقیه صنایع که باید در ولویت سه قرار گیرند نه تنها یک تکلیف قانونی است بلکه بارفع ابهام موجود، خیل عظیمی از سرمایه‌گذاران صنعتی را که صنایع آنها در این ولویت قرار می‌گیرد، به تخصیص منابع خود به صنعت تشویق و تشجیع خواهد نمود.

۲- نرخ مالیاتی اشخاص حقوقی

نگاهی به قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ نشان میدهد که نرخ مالیاتی اشخاص حقوقی

بظورت ثابت - تعیین شده بود و این نرخ برای سهام بانام ۱۵ درصد بود .

انتخاب الگوی نرخ ثابت بجای نرخهای تصاعدی شیوه‌ای است که بسیاری از کشورهای صنعتی در مورد اشخاص حقوقی انتخاب کرد مانند ویکارمی گیرند چرا که محاسبه آن در مورد صاحبان سهام آسان است و ثانیاً تشویقی است که فعالیتهای اقتصادی در چارچوب سازمانهای شناخته شده قانونی - وقابل بررسی - طبقه بندی و ایجاد شوند چرا که دریافت و محاسبه مالیات این اشخاص بسیار سهل تر از سایر مودیان است و این اشخاص بصورت مراکز عمده ، خود موجب تأسیس یک رشته فعالیتهای افقاری می شوند .

در قانون مصوب سال ۱۳۶۶ مالیاتهای مستقیم با استناد لایحه همه مودیان مالیاتی باید تا نصاب یک نرخ مالیاتی واحد شوند این رویه کنار گذاشته شد و عملاً " بسیاری از شرکتها را از نظر تعیین سود سهامداران - بویژه در مواردی که هزینه‌ها از سوی میزان مالیاتی برگشت داده میشود - دچار اشکال ساخت .

وزارت امور اقتصادی و دارائی بجای اینکه به پیشنهاد های برگشت نرخها به نرخهای سال ۱۳۴۵ پاسخ مثبت دهد و در جواب این دستاورد پیشنهادها ، به اعطای ۲۰ درصد معافیت به درآمد مشمول مالیات ابرازی مبادرت ورزید که اساساً " نه تنها مشکل اجرائی را حل نکرد بلکه سلسله بهاها و اشکالات جدیدی را در عمل فراهم ساخت .

در عمل مشاهده میشود که این معافیت از سوی میزان مالیاتی چندان مورد توجه قرار نمی گیرد . در توجیه آن بعضی از میزان ، با اشاره به صدر ماده ۱۳۲ که مربوط به موسسات جدید - التاسیس است ، فقط این دستاورد واحد ها را مشمول معافیت ۲۰ درصدی تلقی می کنند و استناد لایحه مینمایند که تبصره های ذیل هر ماده تابع حکم اصل ماده است . برخی دیگر از لغت " تولیدی و معدنی " برداشت دیگری دارند و فعالیتهای صنعتی را مشمول این عبارت نمیدانند و بالاخره بعضی نیز اعتقادی به اعطای این معافیت نداشته و انواع موانع و معاذیر را برای عدم اجرای آن بکار می گیرند . البته کلیه این روشها را باید نتیجه علاقه و مسئولیت پذیری مودیان مالیاتی تلقی کرد که علاقه مندند

مالیات بیشتری را برای از خانه و ملت وصول کنند و کسری بودجه را به " صفر " برسانند . این چنین شیوه‌ای ، گرچه از نظر تامین تنگناهای مالی دولت برای پرداخت هزینه‌های عمومی ، جای تشویق و سپاسگزاری دارد ولی از جهاتی دیگر اثرات نامطلوبی از نظر مست کردن اعتقاد جامعه محاکمیت قانون ، اشاعه تفکر تخطی از قانون و جایگزین کردن هر نوع برداشت شخصی از قانون ، کاهش میل و انگیزه سرمایه گذاری و عدم اطمینان به موازین قانونی باقی می گذارد که از هر جهت قابل تعمق و پیروسی است .

۳- ذخایر قانونی برای سرمایه گذاری مجدد

طبق ماده ۱۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم و جوهی که برای بازسازی ، توسعه و تکمیل واحد های صنعتی ظرفیت مدت ۴ سال از تاریخ کسب مجوز از وزارتخانه های صنعتی و معدنی ، اندوخته شود و ظرف پنج سال بمصرف توسعه و تکمیل برسد از پرداخت مالیات معاف است .

این معافیت یکی از عوامل انگیزشی بسیار موثر در حفظ سود در شرکتها و اختصاص آن بمسرمایه گذاری جدید در واحد های صنعتی موجود است و موجب می گردد که با نوسازی ماشین آلات و دریافت تکنولوژیهای جدید ، صنعت کشوری خود را برای رقابت در بازارهای جهانی آماده سازد . مدت پنج ساله را که برای ذخیره و مصرف آن تعیین شده ، از نظر زمان لازم برای تهیه و خرید ماشین آلات ، انجام ساختمان و نصب ماشین آلات و بهره برداری از آنها ، ۵۰ فی است مشروط بر اینکه وضعیت اقتصادی کشور در یک حالت نسبتاً " با ثبات و یا تغییر کم همراه باشد اما با ناطلمی که در پنج سال اخیر در اقتصاد کشور ما رخ داده ، بحث از مهلت تعیین شده صرف رفع بسیاری از اشکالات و موانع موجود در مسیر اجرای پروژه های توسعه گردید و بعضی از پروژه ها فرصت اتمام خود را از دست دادند از جمله آنها میتوان به مشکلاتی که در راه خرید های خارجی از جهت تاخیر در پرداخت تعهدات مالی ایران پیش آمده اشاره نمود .

از سویی دیگر با تغییر نرخ ارز صنعت ، از ارزش فابری (هر دلار معادل ۶۰۰ ریال) به ارزش ناور (هر دلار = ۱۷۵ ریال) یا ارز آزاد (هر دلار = ۲۴۰۰ ریال) بکلی محاسبات اولیه برای سرمایه گذاری در هم ریخت و ارقام مورد نیاز به ۳ تا ۵ برابر پیش بینی اولیه افزایش یافت که در طول این مدت کنار گذاشته شد کافی برای اجرای پروژه هان نیست و اگر این مسدود لاقبل برای طرحهایی که قبلاً " مجوز آنها کسب شده ، تمدید نگردد نه تنها طرحها نیمه تمام باقی خواهد ماند بلکه بخشی از نقدینگی واحدهای صنعتی باید بعنوان جریمه بدولت پرداخت گردد . علاوه بر آن مانع دیگری که بروز کرد ما ایجاد محدودیت در میزان ذخایر است که طبق یکی از تبصره های بودجه سال ۷۳ ، از صد درصد سود به ۳ درصد سود ابرازی عملکرد سال ۱۳۷۲ کاهش یافته است که این خود نیز به تشدید مشکل کمک خواهد کرد و امکانات تامین مالی پروژه ها را تضعیف خواهد نمود .

۴- شماره اقتصادی - کد اقتصادی

با پیش بینی تبصره ای در قانون بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور (تبصره ۳۴) کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی - حسب اعلام وزارت امور اقتصادی و دارائی - مکلف به داشتن شماره اقتصادی شده اند و بدین طریق گامی تازه در جهت شناسائی مودیان بالقوه مالیاتی برداشته شد .

جمع آوری اطلاعات از فعالیتهای اقتصادی افراد و شهروندان یک کشور نه تنها به تشخیص صحیح و درست مالیات اشخاص یاری می رسد بلکه با شیوه کارسنتی وزارت امور اقتصادی و دارائی را به یک روش مدون و سریع تغییر میدهد و سطح مراجعات ماموران بمودیان را نیز که غالباً " برخی سوء تفاهات و اختلافات رایجا عث میشود کاهش خواهد داد .

از طرفی دیگر شناسائی مودیان دیگر - بحسب اشخاص حقوقی که ملاً فاصله پس از رسمیت یافتن مشخصات آنان در دسترس ماموران مالیاتی قرار می گیرد - و دریافت مالیات از آنان فشار مالیاتی اشخاص حقوقی را کاهش خواهد داد و از این لحاظ - در اجرای مسئولیت ملی دایر بر اینکه هر فرد باید

خود را در جهت دریافت مالیات دولت قرار دهد - همکاری اشخاص حقوقی را با این روش الزام آور - میسازد، بنابراین جهت گیری ها باید چنان باشد که با شناخت مشکلات اجرائی و تعیین راه حلها و روشهای مناسب، با اجرای صحیح این سیاست کمک شود و سرعت آن تحقق یابد.

آنچه که در فرآیند این روش و بعنوان مشکلات را مبروز کرده، بشرح زیر قابل بحث و بررسی است:

۱- تبصره مورد بحث کلیتاً اشخاص حقوقی و حقیقی را که به امر تولید، مونتاژ، توزیع، واردات، و صادرات هر نوع کالا یا خدمات اشتغال دارند از سود مورد خطاب و مأخذ، جرمه و محسب قرار داده است:

الف- تکلیف برای اخذ شماره اقتصادی برای واحد یا سازمان خود.

ب- صدور صورت حساب فروش کالا و درج شماره اقتصادی خود در آن.

پ- درج شماره اقتصادی خریدار در صورت حساب.

بند های الف و ب از جهت دریافت شمساره اقتصادی و درج آن در صورت حساب کاملاً "بعنوان یک تکلیف موجه و قابل اجرا، در عمل هیچگونه اشکالی را برای اشخاص حقوقی و حقیقی تولید کننده کالا یا توزیع کنندگان عمده بوجود نیاورده است ولی آنچه که بیشتر تولید کنندگان را دچار تنگناها ساخته تعلق جرمه به آنان در مورد خریدارانی است که به وظیفه خود عمل نکرد و شماره اقتصادی دریافت ننموده و تولید کنندگان معتقدند که نباید بخاطر اعمال دیگران در انجام وظیفه، مورد کیفر قرار گیرند.

۲- مهلتی که دستور العمل صادره از سوی وزارت امور اقتصادی و دارائی برای مراجع حوزه های مالیاتی و دریافت شماره اقتصادی تعیین شده (تاریخ ۱۳۷۳/۳/۳۱) کافی برای مراجع و صدور شماره اقتصادی نبود است که اینکسه هم اکنون نیز بخش عمده ای از اشخاصی که در این دستور العمل مورد خطاب قرار گرفته اند، شماره اقتصادی خود را دریافت نکردند و بنابراین این در تعیین این ضرب الاجل، امکانات و محاسبات زمانی، به درستی مورد ارزیابی قرار

نگرفته است.

۳- ابهامی که در دستور العمل وجود دارد اینست که آیا ضرب الاجل دریافت شماره اقتصادی (یعنی ۱۳۷۳/۳/۳۱) دقیقاً "باید در مورد صدور صورت حساب از سوی واحد های صنعتی رعایت شود" عبارت دیگر گزارشهای فروش آنها نیز در سه ماه اول سال ۱۳۷۳ باید حاوی تمامی شماره اقتصادی خریداران باشد؟

اگر پاسخ این سؤال مثبت است لا اقل در دستور العمل صراحتاً "بیان اشاره نموده است ثانیاً "چگونه میشود تصور کرد که متاریخ دریافت شماره اقتصادی از سوی افراد ۱۳۷۳/۳/۳۱ تعیین شده و همگان قبل از این تاریخ موفق به دریافت شماره اقتصادی شده و آنرا به فروشندگان ارائه داده باشند؟

ثالثاً "چنانچه مهلت های مذکور با هم تفاوت دارد مهلتی که باید صورت حسابها از نظر ذکر شماره های اقتصادی تکمیل شده باشد چه زمانی است، سه ماه دوم، سه ماه سوم یا در پایان سال ۱۳۷۳.

۴- مشکل دیگر، یکسان نگری دستور العمل در مورد فعالیتهای مختلف است و این در حالی است که هر فعالیت (صنعتی، معدنی، خدماتی) دارای شرایط خاص خود است و به آسانی نمیتوان همه را مشمول یک تصمیم مشابه نمود. مثال مشخص در این باره فعالیتهای صنعتی است. بعضی از صنایع - بویژه صنایع غذایی - در یک شبکه وسیع توزیع اقدام بفروش کالاهای خود مینمایند. یک تولید کننده مواد غذایی اعلام داشته است که:

الف- از ۲۰۰۰ مشترک خریدار کالا در تهران تاکنون ۵۰۰ شرکت، موسسه، سوپرمارکت، تعاونی و بقالی که با این شرکت طرف معامله هستند هنوز شماره اقتصادی دریافت نکردند.

ب- اکثر نمایندگان این شرکت در مراکز استانها و شهرستانها - علیرغم مراجعه وزارت امور اقتصادی و دارائی - تاکنون موفق به دریافت شماره اقتصادی نشده اند.

پ- فروشندگان مواد اولیه، از جمله مرغ و گوشت (اضافه بر سهیمه) که از واسطه های بازار هستند،

حاضر با ارائه شماره اقتصادی نیستند.

ت- فروشندگان لوازم بدکی و ابزار آلات و قطعات غیر اساسی که عموماً "مفاز مدار یا دوره گرد هستند تحت هیچ شرایطی شماره اقتصادی ارائه نمی کنند.

تولید کنند هدگیری که در امر تولید و توزیع کود های کشا و رزی فعالیت دارند به مشکل مشابهی مواجه شده و اعلام می کند که در شبکه های شامل حدود ۵۰۰ همفاز کود و سم فروشی فعالیت می کند و در شرایط فعلی بخش عظیمی از این گروه نسبت به دریافت شماره اقتصادی اقدام نکردند.

مجموعه این اطلاعات حاکی از اینست که صنایعی که تولیدات آنها در سطح وسیع توزیع میشود از نظر صدور صورت حساب با ذکر شماره اقتصادی دارای مشکلات فراوانی هستند و اگر فشار زیادی بر آنها وارد شود طبقاً "تولیدات آنها بلا فروش باقی خواهد ماند و زیان زیادی را دچار جهت بالا رفتن ضایعات (فاسد شدن مواد غذایی) و جفا ز جهت تامین نقدینگی و دارائیهای جاری باید متحمل شوند.

در مقابل خریداران کالاهای بعضی از صنایع، شرکتها و بنکداران عمده هستند و این گروه به آسانی میتوانند صورت حسابهای فروش خود را تکمیل و ارائه کنند.

بین این دو دسته صنایع دیگری نیز وجود دارند که هم به فروشندگان عمده و بزرگ و هم به مشتریان آزاد (افراد حقیقی مصرف کنند منهای) کالای خود را عرضه مینمایند (مانند تولید کنندگان مصالح ساختمانی از قبیل آجر، گچ، سیمان و...)

و بالاخره گروهی از صنایع نیز دارای فروشگاههایی اختصاصی هستند که معلوم نیست که آیا برای فروشگاههایی تا به معنی باید شماره اقتصادی دریافت دارند یا خیر؟

۵- از نکات اساسی دیگر که لزوماً "باید به آن اشاره نمود تعیین مجازاتهای سنگین در قوانین است که چون عملاً "قابل اعمال نیست در نتیجه به یک حربه ناگوار و خنثی بدل میشود و ارزش خود را از نظر حاکمیت قانون بزمیر سئوال می برد.

دریافت جرمه ای معادل دو برابر مبلغ معامله در بار اول و تعطیل فعالیت برای مدت سه ماه (در

۵- نتیجه گیری

تردیدی نیست که افزایش میزان مالیات بعنوان تامین کنندگان منابع مالی دولت بجای درآمد حاصل از فروش و سایر منابع معدنی کشور، یکی از هدفهای اساسی اقتصاد کشور است و باید با تجهیز اطلاعات، نیروی انسانی و یکارگرفتن شیوه‌های مدرن وصول مالیات، تا مرحله تحقق کامل دنبال شود.

در این میان، پرداخت مالیات و مشارکت در هزینه‌های عمومی و وظیفه‌ملی و اسلامی هر شهروند است که از مزایا و امکانات این کشور بهره‌مند می‌شود و بایستی بدون هیچگونه تردیدی به آن عمل کند.

تأمین عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه درآمد یکی از هدفهای مهم سیاستهای مالیاتی است و در کنار آن نیز طبعاً «عدالت مالیاتی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بنا بر این تعیین شیوه‌های تشخیصی دریافت مالیات و آموزش مأموران مالیاتی، بنحوی که آرد و مودی دارای شرایط مشابه، مالیات مشابه و یکسانی دریافت گردد نیز دارای اهمیت است.

یکی دیگر از وظایف افراد جامعه، بویژه متشکلهای اجتماعی و اقتصادی، بررسی و معرفی زمینه‌ها و منابع جدید مالیاتی است. بدین معنی که از طریق منابع پنهان آرد دید مأموران مالیاتی کشف و به محیط وصول درآید.

علاوه بر آن انتخاب و تعیین مالیاتهای جدید که مالیات مزاحم تلقی نگردند - مانند مالیات بر ارزش افزوده و یا مالیات بر مصرف میتواند در کاهش مطالبات وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گیرد که این رابطه زمینه‌بررسیهای اولیه‌ای نیز انجام شده است.

دوم: دریافت مالیات، اشنای فرهنگ مالیاتی و ارتقاء آگاهیهای جامعه و ایجاد باور و ذهنیت مساعد در افراد برای پرداخت مالیات، وظیفه دیگری است که بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی گذاشته شده است.

متأسفانه وجود یک فرهنگ ضد مالیاتی از گذشته دور - که مالیات بعنوان خراج توسط حکام و سلاطین و فقط برای هزینه‌های شخصی خود دریافت میشد - کار فرهنگی وزارت مسئول جمع آوری مالیات را دشوارتر ساخته است.

علاوه بر آن مردم این کشور باید از مصرف و جوهی

صورت تکرار خلاف (از مجازاتهای است که بسیار قابل تأمل و متعق می‌باشد تصوری این فرض بسیار مشکل است که وزارت امور اقتصادی و دارایی یک کارخانه تولیدی را - که مدیر آن به عمد یا اشتباهاً مجازات قانون را اجرا نکرد مانند - برای مدت سه ماه تعطیل نمود و کارگران آن را بیکار نماید زیرا آن وزارت بخوبی میداند که این عمل چنان اثراتی در اقتصاد کشور خواهد گذاشت و چه عکس العمل‌هایی اجتماعی را موجب خواهد شد مضافاً اینکه کارگران یک کارخانه چه گناهی کرد مانند که بجای مدیر متخلف مجازات شده و معیشت آنها دچار اختلال گردد؟

با توجه به نکاتی که گفته شد در ارتباط با شماره اقتصاددی چند پیشنهادیه شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱- در صورتی که برای وزارت امور اقتصادی و دارایی مسجل شده است که تعیین شماره اقتصادی در سراسر کشور - در تهران و شهرستانها - در مهلت تعیین شده میسر نگردد ملاقات این فرصت ناشش ماه دیگر تعدید شود و جریمه‌ها از آن پس به متخلفین تعلق گیرد.

۲- بجای مجازات صرفاً «فروشندگان (صنایع و توزیع کنندگان عمده) برای دیگر افرادی که مشمول دریافت شماره اقتصادی هستند، بنوعی مجازات تعیین شود تا بیشتر احساس مسئولیت نمایند.

۳- در مورد صنایع و بازرگانی باید قائل به تفکیک بود و برای شناسائی ماهیت و اشکالات کار آنها، بهتر است کمیته‌های متشکل از نمایندگان وزارت دارائی، اتاق بازرگانی، اتحادیه‌ها و سندیکاها و نمایندگان وزارتخانه‌های صنعتی و معدنی و بازرگانی تشکیل گردد و مشکلات هر بخش مورد بررسی قرار گیرد و راه‌حلهای متناسب با آنها انتخاب شود.

۴- امر تدریجی بودن اجرا، بمنظور ارزیابی عملکرد و شناخت تنگناهای احتمالی در جهت نیل به تکامل، مورد مطالعه قرار گیرد و با اتخاذ تدابیری، زمان لازم برای اجرای کامل این برنامه انتخاب گردد.

که پرداخت می‌کنند آگاهی بیشتری بدست آورند. تشریح وظایف و خدماتی که توسط دولت انجام می‌شود (نه صرفاً «تاکید بر پرداخت سوبسیدها که بتدریج و با تکرار ارزش فرهنگی خود را از دست میدهد) در فواصل زمانی مناسب مانند تقدیم و تصویب بودجه یا در زمان اعلام سیاستهای مالی و اقتصادی - بسه آمانگی مردم برای پرداخت مالیات کمک می‌کند.

در ارتباط با دریافت مالیات، نحوه تماس و برخورد مأموران مالیاتی با مودی بنحوی که اعتماد و اطمینان آنان را نسبت به حقانیت تصمیمات مأموران برانگیزد - همچنین رسیدگیهای عادلانه - اختلافات مالیاتی در مراجع حل اختلاف مالیاتی (کمیسیونها و شورای عالی مالیاتی) - میتواند در بالا بردن سطح مالیات دهنی کمک موثر نماید.

وجود ذهنیت منفی دایره‌ای که همه پرداخت - کنندگان مالیات - بویژه سرمایه‌گذاران صنعتی - در صدور قرار از پرداخت مالیات هستند و بنا بر این باید بهتر ترتیب ممکن، مالیات بیشتری از آنان وصول شود، کمکی در ایجاد تحول و فرهنگ مالیاتی نخواهد نمود و در عوض میتواند با تغییر در سیستمهای مالیاتی و اعتماد کردن به اظهارات مودی، نظر آنان را نسبت به درستی و صحت و حسن نیت دستگاه مالیاتی جلب نمود.

